

گاندی: گونه‌ای زندگی

و... چند نقد و نظر

کوشنا کری پالانی

مترجم

غلامعلی کشانی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Gandhi: A Life

Kripalani, Krishna

سرشناسه: کری پالانی، کرشنا، ۱۹۹۳-۱۹۰۷
عنوان و نام پدیدآور: گاندی: گونه‌ای زندگی. و چند نقد و نظر / کرشنا
مشخصات ناشر: کری پالانی؛ ترجمه‌ی غلامعلی، کرشنا
مشخصات ظاهری: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۴
فروست: ۴۴۴ ص: مصور
شابک: سلسله انتشارات - ۱۸۷۴. علوم اجتماعی - /
۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۵۲-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Gandhi: a life, 1968
موضوع: گاندی، موهانداس کارامچاند، ۱۸۶۹-۱۹۴۸ م
موضوع: سیاست‌مداران - هند - سرگذشت‌نامه
شناسه‌ی افزوده: کشانی، غلامعلی، ۱۳۳۵ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: DS ۴۸۱ / گ ۲ ک ۴ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی: ۹۵۴/۰۳۵۰۹۲۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۱۱۷۲۹

ISBN: 978-600-119-852-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۵۲-۶



نشر غتړه

گاندی: گونه‌ای زندگی

کریشنا کری پالانی

مترجم: غلامعلی کشانی

طراح جلد: مهسا ثابت دیلمی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

باز: دیجیتال نقش

تراژ: ۲۰۰ نسخه

بها: ۲۹۰۰ تومان

استفاده از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخ‌لر (ششم)، کوچه بیست و سه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱۳۳۹۷۸۸

دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۱۱	پیش گفتار مترجم.....
۲۱	پیش سخن.....
۳۱	تولد و پرورش.....
۴۰	سرنوشت چشمک می زند.....
۵۱	سرخوردگی در وطن.....
۵۵	سرنوشت در کمین گاه.....
۶۴	آشنایان مسیحی.....
۷۰	حقوق دان و میهن پرست.....
۷۶	زیر یوغ.....
۸۲	ایمان و علاقه.....
۸۷	جزوه‌ی سبز.....
۹۵	صاحب خانه.....
۱۰۲	جنگ بونر.....
۱۰۶	میان پرده‌ی هندی.....
۱۱۰	بازگشت به میدان نبرد.....

۱۱۵		کاوش های شخصی
۱۲۲		خانواده در ژوهانسبورگ
۱۲۵		شورش زولو و پس از آن
۱۲۹		چالش
۱۳۴		آزمون ایمان
۱۳۹		از میان آتش
۱۴۳		مأموریتی در لندن
۱۴۸		سفت یو بر روی دریا
۱۵۴		مزرعه ای بیست
۱۵۸		آرامش و طوفان
۱۶۵		خدا حافظی با افریقا
۱۶۹		انجام وظیفه برای امپراتری
۱۷۲		بازگشت به وطن
۱۷۷		تمرین در هند
۱۸۴		سوارشدن بر طوفان
۱۹۰		خروش بزرگ
۱۹۶		آونگ تاب می خورد
۲۰۲		آجر به آجر
۲۰۶		استراحت خلاقانه
۲۱۲		در راه پیمایی
۲۱۶		میان پرده در غرب
۲۲۳		هدایای کریسمس
۲۲۹		گروگان
۲۳۵		به درون گرداب
۲۴۲		هند را ترک کنید
۲۵۰		کورمالی در تاریکی

۲۵۵		رزمنده‌ای در چند جبهه
۲۶۱		صبح دمی با خون سرخ
۲۶۶		کفاره دهنده‌ی تنها
۲۷۳		تنها گام بردارا
۲۷۹		بهای آزادی
۲۸۸		سپاه مرزی تک‌نفره
۲۹۵		یا عا یا مرگا
۳۰۷		یا عا یا مرگا
۳۱۴		تا مدتی برگانده
۳۳۱		ماندلا از گاندی می‌گیرید
۳۳۴		رزمنده‌ی مقدس
۳۴۴		شور و شغف‌های یزید پارسا
۳۵۴		جناح چپ و گاندی (به واسطه ره‌لای تاگور جوان)
۳۹۴		موعظه‌ی سرکوه مسیح
۳۹۷		فرانسیس آسیری: کشف تهمی دست‌پاچه
۴۰۵		آلبرت شوایتزر کیست؟!۱
۴۰۷		نصاویری از موهانداس گاندی
۴۲۵		نمایه

پیش‌گفتار مترجم

این کتاب مانع هم از اندی سخن می‌گوید، اما چرا؟ آیا هنوز هم نیازی به او هست؟

۶۷ سال از ترور او در ژانویه ۱۹۴۸ می‌گذرد. تقریباً بسیاری از تصوراتی که او در مورد هند آرمانی خویش ترسیمش برآب شده است. اما هند اکنون حاکمانی به ظاهر تماماً هندی دارد و هر گونه دولت رسمی دولت انگلیس در امور آن، ظاهراً با پاسخ دندان‌شکن دیپلماتیک حمایت هندی رویه‌رو می‌شود. پس هند به ظاهر استقلال دارد و بیگانگان را بیرون رانخته است، یا به تعبیری محترمانه‌تر، عذرشان را خواسته است؛ پس باید دوران خرم را بگذرانند. اما واقعیت چنین نیست. اکنون همه می‌دانیم آوارگانی که باید پس‌تر از کل جمعیت هند در سال ۱۹۴۸، در زاغه‌ها و خیابان‌های شهرها و حومه‌ها، به دنیا می‌آیند، می‌خورند، می‌خوابند، دفع می‌کنند، می‌زیند، می‌زایند و رحمان جا نیز می‌میرند - یعنی فلاکت و سرافکندگی مطلق بشری!

او میان دزد هندی و دزد انگلیسی فرقی نمی‌گذاشت. جریان روزگار را در آن زمان، جنایت شهرنشینان برخوردار هندی و انگلیسی ضد خیل عظیم فقرا،

به‌ویژه روستانشینان می‌دانست و در رویاهای خود هند را اقیانوسی می‌دید که با جزایری بی‌شمار روستایی تقریباً خود - بسنده و مستقل، و با بازارهای محلی پر جنب و جوش کوچک خود، شرافت و تلاش انسانی میلیون‌ها آدم را به نمایش می‌گذارد، نه این که مثلاً ۱۰۰ شهر بزرگ داشته‌باشد، موشک هوا نند، بمب اتم بسازد، انقلاب سبز راه بیاندازد و برنج صادر کند؛ و در عین همه این‌ها، میلیون‌ها موجود مفلوک سرافکنده‌ی ذلیل را در خود پیرورد.

این نگاه او بخشی است دندان‌شکن به همه‌ی استقلال‌طلبان رویا پرور ملی و قومی، و سرانجام نیای فعلی، به این معنی که تا زمانی که عدم تمرکز ملی و محلی را استقلال‌طلبی الیستی واحدهای کوچک مولد را نتوانسته باشند به مرحله‌ی اجرا در آورند، حداقل در چشم اندازی واقعی و قطعی بتوانند ببینند، هر گونه تلاش‌شان در این سال، تنها به عوض شدن ظاهر اربابان خدمت می‌کند؛ و این بار اربابی هم‌زبان حق‌شان را خوب‌تر می‌خورد و بس! و این تازه در صورتی است که هزینه‌ای به دلیل مقاومت حاکمیت متروپل بر استقلال‌طلبان بار نشود. در این صورت است که «کایت» مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان!» مصداق پیدا می‌کند.

راهبرد عملیاتی گاندی، تبدیل هر روستا به پایگاه، و در اقتصاد اتکا - به - خود و شجاعت اخلاقی منضبطی بود که اقتدار حاکم را، چه از نوع بیگانه، و چه از نوع خودی و بومی آن، در صورتی که بر خلاف خواست‌های مردم عمل کند، خود به خود فلج سازد.

به سخن دیگر، او می‌خواست زاده‌شدن انسانی نوین را در هند - و از طریق هند در همه‌ی جهان - به چشم ببیند. انسانی که با «بی‌خشونت» و عشق نامشروط و فراگیر به هم‌نوع سیراب می‌شود و در موقع لازم، در برابر قدرت و

ثروت متجاوز هم، قادر به سخن گفتن و ایستادگی است. به این ترتیب راهی به رهایی بشر از درد ورنج خشونت و جنگ و بی‌رحمی و تورم ثروت و قدرت، هدر دادن و تخریب محیط زیست، و حاکمیت مذهب مصرف پیدا می‌شود. از سوی دیگر با تلاش خود در این راه، می‌خواست به حقیقت شخصی مطلوب خود هم برسد، حقیقتی که می‌گفت همان خداست و به او آرامش شخصی عازانه‌ای می‌بخشید.

اما گاندی هم یک انسان است و نه بیش‌تر، به علاوه انسانی است به قول خود، تجربه در حقیقت و به همین دلیل مانند همه مستعد خطاست و ممکن است بیش‌تر از حاکم از آن‌ها بزند. او به دلیل نزدیکی زیانش به زبان عرفا و نزدیکی عملش به رفتار ریاضت‌کشاران، به شدت در معرض خطر مقدس‌شمرده شدن است، چیزی که از آن بسیار وحشت دارد. نویسنده در کتاب حاضر، خود نگاهی این‌چنینی به گاندی دارد و در جای - ی کتاب هم، به تلاش خود گاندی برای تقدس‌زدایی از خود و از هر شخص و نظریه - ی مطلق، اشاره می‌کند.

انسان‌های سرشناس معمولاً موافقان و مخالفان دارند. گاندی هم از این دایره بیرون نیست، با این فرق که او در پایان سارشی خبر نام‌مرد، برخلاف بعضی سرشناسان بدنام تاریخ، در زیر سایه‌ی این خبر نام‌مرد و طرفداران بسیار، کسی که می‌خواهد حرفش را درست بفهمد و خوب و بدش را سوا و نقد کند، به شدت در معرض اطلاعات یک‌سویه قرار می‌گیرد. من به همه او را تحسین می‌کنند و نکته‌ی منفی در رفتارش نمی‌بینند. همین تحسین همگانی گاندی و هر شخصیت محبوب دیگری، مشکل بزرگی است برای فهم و درک واقعیت این‌گونه افراد. به دلیل همین جلو‌گیری برجسته‌ی شخصیت آدم‌های محبوب است که از وجود بخشی از منتقدین بی‌خبر می‌مانیم: منتقدینی که نظری خلاف جریان عادی تحسین و تمجید دارند.

شاید اگر چهل سال پیش بود، این بی‌اطلاعی باقی می‌ماند، تا زمانی که کسی پیدا می‌شد و کتابی انتقادی در موردش می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد. ولی امروزه به کمک اینترنت، این مشکل تا حد سرعت برق رفع شده است. می‌توان با یک جست‌وجوی اینترنتی درست، در اولین جست‌وجو به نغمه‌ها و سازهای ناهم‌نوا و ناساز دیگری هم گوش سپرد که نقل و سنگینی ارکسترهای هم‌نوا، تحسین یک‌سویه را به هم می‌ریزند. یعنی فرصتی بی‌همتا و یگانه به آدم می‌دهد که بتواند سویه‌های مختلف و متفاوت یک مسئله را از پنجره‌های مختلف و در سه‌ترین زمان ببیند. این فرصت را اینترنت است که برای اولین بار در تاریخ به انسان‌ها داده است. در این جاست که مخفی‌کاری و «پنهان‌روشی»، «خبر اسکان» کم‌تری می‌یابد و فایده‌ای هم نخواهد داشت، چرا که دیر یا زود کسی پیدا می‌شود و واقعیت را آفتابی می‌کند.

مترجم، برای آشنایی خواننده با بعضی از نظرات منتقدان گاندی، مقاله‌ای از جرج اورول^۱ را در پایان کتاب آورده است. جرج اورول، مقاله نویس چیره‌دستی بوده است. او انگلیسی است و اندیشه‌ای ترحمانه دارد. نه مانند رومن رولان^۲ است و نه مانند لویی فیشر^۳ که هر دو در عشق شدید به گاندی داشتند،

۱. George Orwell: (۱۹۰۳-۱۹۵۰) رمان‌نویس، روزنامه‌نگار و فعال چپ انگلیسی. در جنگ داخلی اسپانیا شرکت داشت و زخمی شد. رمان‌های قلمی حیوانات و ۱۸۴-۱۹۴۸ جلی مشهورند.

۲. Romain Rolland: (۱۸۶۶-۱۹۴۴) مورخ موسیقی، رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس، زندگی‌نامه‌نویس، انسان‌دوست، صلح‌طلب و فعال چپ و نام‌دار فرانسوی، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات سال ۱۹۱۵، صاحب رمان‌هایی مانند جان شیفته، ژان کریستف و زندگی‌نامه‌های بهرین، میکال آئن، تولستوی و از همه کوچک‌تر و عمیق‌تر: گاندی.

۳. Louis Fischer: (۱۸۹۶-۱۹۷۰) روزنامه‌نگار، شوروی‌شناس، گاندی‌شناس و فعال چپ آمریکایی؛ سه کتاب در مورد گاندی نوشته که یکی از آن‌ها، «گاندی و استالین»، به ترجمه‌ی این قلم در نشر قطره منتشر شده است بر اساس کتاب دیگر او، «زندگی گاندی»، ریچارد آتن-بورر

آمده است که اهمیت زیادی دارد، چرا که او خود، راهبر جمع بزرگی از مردم به طرف آزادی بوده است. پس از آن، نوشته‌ای از روزنامه‌ی معتبر ایندپندنت در مورد زندگی جنسی گاندی می‌آید. و در آخر برای آشنایی با بخشی از نقد «چپ» به او، نامه‌نگاری و هم‌سخنی رومن رولان با یک منتقد هندی (رادرزاده‌ی رایبندرانات تاگور) خواهد آمد.

به تازگی هم تسلیمه نسرین نویسنده و شاعر بنگلادشی در سایت NoCountryForWomen.org، به زندگی جنسی گاندی پرداخته است. او مدعی است که گاندی با بانوی لخت در کنار دختران ۱۶ تا ۱۹ ساله می‌خوابیده و به نظرش سندی در دست نیست که آنان را آزار نمی‌داده است.

از سویی دیگر در ۲۰۱۳ رانویه نیویورک تایمز گزارشی می‌دهد از نمایشگاهی از عکس‌ها و نامه‌های گاندی در هند؛ و در آن به کتابی از نویسنده‌ای به نام جوزف لیلولد، ویراستار اجرایی پیشین هم، روزنامه اشاره می‌کند که در آن، گاندی به عنوان کسی معرفی شده که رابطه‌ی «محدود» گرایانه‌ای با هرمان کالنباخ دوست آلمانی‌اش در آفریقای جنوبی داشته است.

خیلی‌ها می‌گویند زندگی خصوصی افراد مطرح اجتماعی به دیگران مربوط نیست، مگر این که تأثیر مستقیمی بر روی خط مشی شخص اجتماعی



آفریقای جنوبی که ۲۷ سال زندان کشید و پس از آزادی در انتخاباتی تاریخی، به ریاست جمهوری نوین آن کشور انتخاب شد. پس از به قدرت رسیدن، مردی که مبارزه‌ی مسلحانه هم کرده بود، با حریفان و رؤسای رژیم پیشین، به مدارا رفتار کرد. بیش از یک دوره هم در قدرت نماند و زندگی خود را وقف مبارزه با فقر و آیدز و حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها کرد. و در آخر خوش نام مرد.

خود آن شخصیت داشته باشد و یا در این زندگی خصوصی، حتی از دیگران ضایع شده باشد. بعضی‌ها با این نظر موافق نیستند و دلایلی هم برای نظرشان دارند. در هر صورت، آن قدر که از زندگی گاندی پس از ۶۵ سال افشا شده است، نشانه‌هایی دال بر زیر پا گذاشتن حقوق دیگران نداشته است و کسانی تابه‌حال مدعی نشده‌اند که گاندی در این یا آن مورد از آنان سوءاستفاده کرده و یا به آنان ستم کرده است.

در هر حال، خبرداشتن از این خدشه‌های رفتاری در مورد افراد مطرحی چون گاندی (از ضمنیات شناخت آنان است، هر چند که حتی بتوان به راحتی آن‌ها را فراموش کرد).

کسی می‌گفت:

فلانی ۱۰ سطل آب در چاهی ریخت و...

بعد مردم را صدا می‌کرد، سطل را می‌نذاشت و یک سطل آب از همان چاه بالا می‌کشید. بعد می‌گفت: «جما! اینک آب گوارا از چاه‌مان!»
با هیچ کس و از جمله گاندی هم نباید این طرز برخورد کرد. باید زیر و بمش و پشت‌ورویش را با هم گفت.

روایت است که بعضی از خارجی‌ها دورسم جالب دارند:

یکی این‌که:

اگر کسی در یک جمع مشورتی نظر مخالفی ابراز کند و در اقلیت قرار بگیرد، خود را موظف می‌بینند که با وجود در اقلیت بودن او، عین نظرش را در جمع‌بندی نهایی یا مصوبه‌ی اجرایی و گزارش نهایی به‌عنوان نظر اقلیت بیاورند و حذفش نکنند، هر چند که تصمیم گرفته‌شده، بسیار قطعی، مهم، اجرایی و برخلاف نظر اقلیت باشد.

دوم این‌که:

اگر مثلاً کسی در ژاپن به‌عنوان یک خارجی، نامه‌ای به وزارت کشور (مثلاً) بنویسد و بخواهد که در انتخابات بعدی نخست‌وزیری یا مجلس شرکت کند، شخصی که نامه را می‌خواند، اجازه‌ی تصمیم‌گیری مستقل و انفرادی و یک‌طرفه ندارد که هر پاسخی را که به صلاح دید، در برابر نویسنده‌ی نامه قرار دهد. تشخیص درست یا نادرست و پاسخ درست، به‌عهده‌ی شورایی از افراد است که پاسخ‌گو هستند. پس هیچ نامه‌ای مستقیماً به تشخیص فردی به سلطان نیاید. آنچه اخته نمی‌شود یا به‌دست یک فرد، پاسخ نمی‌گیرد. این شورا است که بر روی پاسخ نهایی تصمیم می‌گیرد و مثلاً در پاسخ می‌نویسد: با تشکر از حسن طرقتان، دست به نهادهای کشورمان، متأسفانه تا این تاریخ، امکانی برای انجام این کار نیست در قوانین مان وجود نداشته است. با این حال به محض فراهم شدن این امکان، شما را در اسرع وقت در جریان خواهیم گذاشت.

این دو روایت از خارجی‌ان، چه راست یا ناست، باشند، در هر صورت، راه و روش نقد را هم به ما نشان می‌دهند:

اولی می‌گوید یک رأی، درست است که به‌عنوان یک رأی، خیلی ضعیف است، اما از نظر وزن استدلالی، می‌تواند از رأی حاکم هیچ چیز کم نداشته باشد و به همین خاطر، حق نداریم منطق و دلایل پشتیبان را به دلیل «در اقلیت بودن»، عمداً از آگاهی مردم حذف و سانسور کنیم. با این روش، ما نظری مخالف نظر غالب و مسلط را فوراً رد نمی‌کنیم و به‌خود و دیگران فرصت می‌دهیم در معرض هواهایی تازه از پنجره‌هایی نو قرار بگیریم. حق نداریم صدای منتقد را به دلیل ضعیف و بی‌پناه بودنش، اول کم ارزش کنیم و بعد بی‌ارزش و بعد هم رسماً او را از صحن خاطره‌ی خود و دیگران حذف کنیم، کاری که نشانه‌ی روشن استبداد است. منتقد هر قدر هم بی‌جا گفته باشد، تو

حق حذف کردنش را از منظر مخاطبان نداری، اگرچه به هدف خدمت به بهترین نیت‌های اخلاقی، ایمانی، ملی و ایدئولوژیکی.

دومی، عجله نکردن در قضاوت فردی، یک‌طرفه نرفتن به قاضی و مراجعه به عقل جمع، و نظر مخالف دیگران در عرصه‌های عمومی‌تر را یادآوری می‌کند. با این روش، ما نظر مخالف نظر خودمان را به مجرد برخورد شخصی و نه با آن، رد نمی‌کنیم و از صحنه‌ی اندیشه حذف نمی‌کنیم، بلکه نقایصی موافق و مخالف را نیز واریسی می‌کنیم و به خود جرئت و فرصت می‌دهیم با طر مع الب موضع‌مان رویه‌رو شویم، هر چند که آن نظر در نگاه اول، خیلی غلط، بی‌ربط و کمیاب و نادر به نظر برسد. داوری انفرادی همیشه در مظان راه بردن به خطا است. بهتر این است که به‌تهایی به نقد نشینیم، تا نزدیک‌تر به عقل و خرد و احیاط باشد. در همین جاست که با مروری دوباره، ممکن است منتقدی را کم‌کم پیش‌پا نیاید یا بخشی از حرف‌هایش را بپذیری که پیش‌تر قبولش نداشته‌ای، یا نظرس را خیلی ربط می‌دانسته‌ای. اما با دیدن شواهدی یا استدلالی متفاوت در دفاع از او، نظرت، کم‌کم عوض شود.

حالا حکایت ماست با نقدهای موجود بر نظرات الب و مسلط بر پدیده‌ای به نام «گاندی».

وظیفه‌ی کاوش‌گرانه‌ی خواننده‌ی این بحث‌ها در صورت داشتن فرصت، رفتن به سراغ این گونه نقدهاست، و بعد سبک - سنگین کردن مناسبات منتقدان است تا این‌که به شناخت واقعی‌تر و شاید نسبی‌تری دست پیدا کنند. و در صورتی که فرصتی نداشته‌باشد، شناور کردن و معلق ساختن برداشت فعلی خود از اطلاعاتش و در هر دو حالت، دوری همیشگی از نگاه خشک و صلب و یقینی و قطعی و متعصبانه به این یا آن فرد یا عقیده‌ی محبوب و مطلوب است.

یقین و قطعیت، قاتل جست‌وجوی همیشگی ایمان، حقیقت و هر گونه دانش واقعی است.

لازم به گفتن است که نویسنده‌ی کتاب، کریشنا کری پالانی (۱۹۹۲-۱۹۰۷) Krishna Kripalani، سیاست‌مدار (عضو پیشین مجلس سنای هند)، معلم آشرام سانتینی کتان^۱، منشی و همدم رایبندرانات تاگور^۲، پدر و مؤلف چندین کتاب در مورد گاندی، تاگور پدر و پسر^۳، ادبیات، و از جمله کتاب مشهور «همه‌ی مردم برادرند» (گزیده‌ی سخنان گاندی) است که به فارسی ترجمه شده است.

کم‌ترین، غلامعلی کشانی

Ghkeshani.com

پانویست‌ها در این کتاب، از سوی مترجم است.

۱. آشرام: دیر، مدرسه - خلوت‌کده، خانقاه در هند و کشورهای همسایه‌ی آن. سانتینی کتان را تاگور پسر بنیاد کرد.

۲. رایبندرانات تاگور (۱۸۴۱-۱۹۶۱)، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، و شخصیت بزرگ هم‌دوره‌ی گاندی است و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات ۱۹۱۳. او با وجود بعضی اختلافات با گاندی، به او شدیداً عشق می‌ورزید. لقب مهاتما یا روح بزرگ را او به گاندی داد.